رسالت
سال سی‌وهشتم ■ شماره ۱۰۷۷۲ ■ روزنامه صبح ایران

«رسالت» از گسترش زندگی‌های تک‌نفره گزارش می‌دهد

زنگ خطر افزایش خانوارهای تک‌نفره

گروه اجتماعی- حسن طباطبایی

آمار خانوارهای یک‌نفره تأمل برانگیز است؛ خانواده‌هایی که حضور پرتعدادشان، زنگ خطر است و طی یک دهه اخیر، آمار طلاق هم به نسبت گذشته افزایش یافته و این موضوع موجب شده تعداد زنان و مردانی که تمایل به ازدواج دوباره ندارند بیشتر شود.

مطابق تعاریف جمعیت‌شناسان «خانوار یک‌واحد آماری است با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی معین، مرکب از افرادی که در یک کانون زندگی می‌کنند، زیر یک سقف می‌خوابند، هم خرج هستند و دور یک میز یا سفره غذا می‌خورند.» حالا خانواده‌های تک نفره روند روبه رشدی دارند و این مسئله افزون بر ضررهای فردی برای آینده جامعه نیز مضراست. چراکه جامعه با خانواده تشکیل می‌شود، سازمان می‌یابد و تنظیم می‌شود.

درگذشته تنها زیستی غالبا یک امر تحمیلی بوده است و فرد به دلایلی ناخواسته همچون از دست دادن خویشان و نزدیکان و یا مهاجرت خود و سایر اعضای خانواده، مجبور به تنها زندگی کردن به‌ویژه در سنین جوانی و میانسالی می‌شد. اما خانواده‌های تک نفره در سالیان اخیر نسبت به انواع دیگر خانوارها در بیشتر نقاط جهان به سرعت درحال افزایش است. بنابر گزارش سازمان جهانی بهداشت، در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و پیشرفته مانند نروژ، فنلاند، دانمارک، سوئیس و آلمان بیش از یک سوم خانوارها تک نفره هستند.

گرچه در حال حاضر روا‌ج خانوارهای تک‌نفره در آسیا کمتر از اروپا و آمریکای شمالی است ولی سرعت رشد آن قابل توجه و جدی است. به‌طوری که پیش‌بینی می‌شود در سال‌های آینده، از ۱۰ کشور سردمدار در داشتن خانوارهای تک‌نفره، چهار کشور در آسیا قرار داشته باشند. در ایران نیز براساس آخرین سرشماری مرکز آمار تعداد خانوارهای انفرادی به نسبت کل خانوارهای کشور در سال ۹۵ به ۸،۵ درصد رسیده است که از افزایشی پرشتاب حکایت دارد.

به همین دلیل زمینه و بسترهایی که در این امر دخیل هستند، می‌تواند در شناخت بیشتر این موضوع و بررسی ابعاد مختلف آن اثربخش باشد. مواردی همچون تفرد گرایی، افزایش سواد و اشتغال زنان، افزایش طلاق و سن ازدواج، کاهش نرخ ازدواج، میل به استقلال، مهاجرت‌های شغلی و تحصیلی، شکاف نسلی و اختلاف نظر والدین و فرزندان در افزایش میزان تنها زندگی کردن زنان و مردان در جامعه نقش دارند. البته فارغ از اینکه این سبک زندگی، چقدر ناشی از انتخاب و اختیار فرد است و به چه میزان جبر و تحمیل شرایط زندگی در آن دخیل است، آنچه مشاهده می‌شود رشد و سرعت افزایش تنها زیستی زنان در جامعه برخلاف ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی و خانوادگی در یک دهه اخیر است!

درواقع، زندگی روزمره و تجربه زیسته آدمیان یکی از منابع مهم فهم و شناخت پدیده‌های اجتماعی است. از این رو اگر بخواهیم به درکی از پدیده تک زیستی زنان برسیم، بدون بررسی زیست جهان و تجربیات زیسته آن‌ها ناممکن و غیرواقعی خواهد بود و نگاه آسیب شناسانه و بیرونی بدون شناخت و اطلاع از ابعاد و زوایای آن، نتایج و یافته‌های متقنی به ما نخواهد داد. با گذر زمان شاهد تغییرات و دگرگونی‌های زیادی در زمینه‌های مختلف و ازجمله الگوهای شکل‌گیری خانواده هستیم. درواقع با تغییر و کوچک‌تر شدن ابعاد خانواده و تبدیل آن از گسترده به هسته‌ای، با شکل‌گیری انواع جدیدی از خانواده‌های بدون فرزند، تک‌والد و تک‌نفره مواجهیم. مطالعات متعدد نیز بیانگر تحول نظام ارزشی در میان جوانان ایرانی در طی سال‌های اخیر است و تمایل غالب و عمومیت یافته جوانان ایرانی به دیرتر ازدواج کردن، نمودی از ابعاد گسترده و وسیع تغییرات اجتماعی است که به شدت جامعه و جوانان کشور را تحت تأثیر قرار داده است.

آمار خانوارهای تک نفره، به نسبت کل خانوارهای کشور در سال ۸۵، ۲،۵ درصد بوده که این عدد در سال ۹۵ به ۸،۵ درصد رسیده است. درواقع سال ۸۵ بیش از ۸۸۰ هزار خانوار تک نفره در کشور مورد شمارش قرار گرفته بود که این رقم در سال ۱۳۹۵ به بیش از دو میلیون نفر رسیده است. از این تعداد بیش از ۶۸ هزار خانوار مرد سرپرست و بیش از یک میلیون و ۳۵۰ هزار خانوار زن سرپرست هستند. به گونه‌ای که ۶۶،۴ درصد از کل خانوارهای تک نفره زن سرپرست‌اند. (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵). یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان در سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد، ۵۸،۸ درصد جوانان تمایل دارند که تنها زندگی کنند. خانواده‌های تک نفره‌ای که از خانواده جداشده و مابقی دوران تجرد خود را به‌صورت مستقل زندگی کنند. این دسته از دختران مجرد هرچند به انتخاب خودتنها زیست شده‌اند اما تنها زندگی کردن اولویت اصلی‌شان نیست، آن‌ها تمایل دارند با یک ازدواج مطلوب، زندگی یک نفره آن‌ها پایان پذیرد. گروه سوم نیز افراد مجردی هستند که به دلیل ازدواج نکردن و اتفاقات نامطلوب و ناخواسته مثل ازدست دادن پدر و مادر یا مهاجرت‌های اجباری، در زندگی تنها مانده‌اند و ناچار تنها زیست می‌کنند. افرادی که به دلیل تحمیلی بودن تنهایی پیش رو، ناراضی و دلگیرند و به دنبال یک تغییر مثبت در زندگی‌شان هستند، هرچند با توجه به سن بالا، امید زیادی ندارند. گروه چهارم سالمندانی هستند که اکنون به مرحله «آشیانه خالی» در زندگی خود رسیده‌اند و به ناچار یک احساس عمیقی از تنهایی زندگی خود را می‌گذرانند.

گرچه بستر و زمینه‌هایی که مقوم و فراهم کننده شرایط تنهازیستی هستند متنوع و متفاوت است اما براساس گفته‌های عالیه شکربیگی؛ تحصیلات دانشگاهی و زندگی خوابگاهی از جدی‌ترین زمینه‌های تنهازیستی زنان طلاق گرفته و دختران مجرد به شمار می‌آید. همچنین شرایط و نوع واکنش خانواده‌ها در برابر استقلال طلبی و فردیت گرایی زنان مطلقه و دختران مجرد و متغیر شرایط نامطلوب و رخدادهای نابهنگام از دیگر مواردی است که زمینه‌ساز و مقوم تنهازیستی زنان بوده است.

آنچه در روایت‌های زنان تنهازیست در پژوهش‌ها به انتخاب و اختیار خود این سبک از زندگی را برگزیده‌اند و یا به دلایل مختلفی ازجمله طلاق یا مرگ پدر و مادر، همسرو... تنها زندگی کردن به آن‌ها تحمیل شده است. بنابراین نباید این سبک زندگی را مختص گروه خاصی دانست زیرا آمارهای مربوط به خانواده‌های انفرادی، نشان دهنده افزایش تنهازیستی در میان مردان و زنان است، اما رشد آن همچنان که نتایج سرشماری انجام شده در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد، در میان دختران و زنان سرعت بیشتری دارد. همچنان که مخاطرات و مسائل مربوط به آن نیز به دلایل فرهنگی و اجتماعی برای زنان بیشتر و انتخاب تنها زندگی کردن برای زنان نسبت به مردان، چالش برانگیزتر و پرهزینه‌تر است.

اخیرا عضای کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی تعداد دختران مجرد بالای ۳۰ سال در ایران را دو میلیون و ۱۰۰ هزار نفر و مجموع آمار پسران و دختران مجرد در کشور را چهار میلیون و ۶۰۰ هزار نفر اعلام و گفته‌اند: «درباره افزوده شدن بر این گروه هدف نگرانی وجود دارد.»

عالیه شکربیگی، جامعه‌شناس تنهازیستان را به چهار گروه تقسیم کرده است: دسته اول مجردانی که تمایلی به ازدواج ندارند، ازاین رو ازخانواده جدا می‌شوند و زندگی مستقلی برای خود تشکیل می‌دهند. این‌ها افرادی هستند که تنها زندگی کردن نتیجه انتخاب آگاهانه آن‌ها بوده است و تصمیمی برای تغییر سبک زندگی خودنه با ازدواج ونه با بازگشت به زندگی مشترک با خانواده ندارند. گروه دوم دختران مجردی را دربرمی‌گیرند که به دلیل اینکه ازدواج نکرده‌اند تصمیم گرفته‌اند که

دیده می‌شود، بیانگر آن است که زنان به دلیل مجرد بودن باتوجه به حاکم بودن هنجارهای ارزشی ازدواج تحت فشار اجتماعی بیشتری قرار دارند. کما اینکه شرایط دشواری را تجربه می‌کنند.

زندگی خوابگاهی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای گرایش به تنهازیستی

شکاف و کشمکش بین نسل‌ها استفاده از رسانه‌های جمعی و متعاقب آن، ظهور اندیشه‌ها و تفکرات تازه در میان نسل جدید از دیگر عوامل گسترش سبک زندگی تک زیستی عنوان شده است.

دوفصل نامه «مسائل اجتماعی ایران»، وابسته به «دانشگاه خوارزمی» گزارشی در این زمینه با عنوان «دلایل و زمینه‌های تنهازیستی زنان تهرانی» منتشر کرده و به ریشه‌های گرایش دختران ازدواج نکرده ساکن تهران به زندگی تنها پرداخته است.

این پژوهش تلاش کرده است دلایل و زمینه‌های انتخاب تنهازیستی دختران هرگز ازدواج نکرده در شهر تهران را ذیل دو مقوله کلان «زمینه‌های شکل دهنده» و «دلایل و انگیزه‌ها» تفسیر و تبیین کند. در این پژوهش، گروهی از دختران ازدواج نکرده تنهازیست در تهران مورد پرسش قرار گرفته‌اند.

این پژوهش از «تحصیلات دانشگاهی و زندگی خوابگاهی»، «اشتغال و استقلال اقتصادی و خانواده» و «شرایط خانوادگی» به عنوان سه عامل و شاخص در این بخش نام برده است.

آن طور که پژوهش‌گران نوشته‌اند، این سه مؤلفه هریک به تنهایی یا در کنار یکدیگر می‌توانند زمینه تمایل دختران به تنهازیستی باشند.

در این پژوهش آمده که تحصیلات و زندگی خوابگاهی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای ایجاد گرایش به تنهازیستی است. تحصیلات و قتی مستلزم رفتن به شهر دیگر و زندگی خوابگاهی باشد، زمینه را برای تمرین جدایی از خانواده فراهم می‌کند. برای دخترانی که در خوابگاه مدتی جدا از خانواده خود زندگی کرده‌اند، بازگشتن به مناسبات خانوادگی و مداخلات احتمالی آسان نیست.

مؤلفه دومی که این پژوهش به آن پرداخته، متغیر خانواده است؛ به این صورت که خانواده هم می‌تواند نقش مؤثر و مشوق جدایی گزینی و تنهازیستی داشته باشد و هم می‌تواند برعکس آن عمل کند.

این پژوهش مؤلفه سوم را هم ذیل اتفاقات و رخدادهای نابهنگام و عمدتاً نامطلوب جای داده است؛ به این معنا که گاهی اتفاقات پیش‌بینی نشده و شرایط جدیدی که ممکن است در زندگی هر کس پیش آید (مانند طلاق، جدایی والدین، مرگ یا ازدواج مجدد)، فرد را در وضعیتی قرار دهد تا تصمیماتی بگیرد که براساس تمایل و خواسته قلبی او نیست. به گونه‌ای که اگر آن شرایط پیش نمی‌آمد، فکر و تصمیم زندگی تک نفره نیز شکل نمی‌گرفت.

دختران مصاحبه شونده در این پژوهش گفته‌اند، تجربه زندگی مستقل گاه باهدف مهاجرت به شهرهای بزرگ‌تر است، درواقع کمبودها و امکانات اندک سبب شده‌اند که برخی از این دختران محیط خانوادگی را ترک کنند و برای پیشرفت تا باید در بسترها و شرایط اجتماعی و فرهنگی جستجو کرد. عواملی همچون نداشتن امکان ازدواج، استقلال مالی دختران و افزایش سطح تحصیلات و... اما بازهم این تمام آن چیزی نیست که فرد را به انتخاب این سبک از زندگی سوق می‌دهد. به باور جامعه شناسان باید ریشه‌های این موضوع را در یک مجموعه مورد بررسی قرار داد. این نکته را هم باید متذکر شد که در مقایسه با دهه‌های قبل کاهش تمایل به ازدواج و افزایش طلاق از عوامل مؤثر بر کاهش جمعیت هر خانوار است. در حالی که در سال ۱۳۵۸ تعداد ثبت طلاق ۲۱ هزار مورد در ایران بوده، این آمار در سال ۱۴۰۰ به ۲۰۴ هزار مورد رسیده است.

هم راستا با افزایش آمار طلاق، تغییر سبک زندگی در جامعه باعث شده است که برخلاف گذشته، زوج‌های مطلقه به سکونت در خانه پدری تمایلی نداشته باشند و در صورت استطاعت مالی با تهیه مسکن مجزا، زیستی تنها را برمی‌گزینند، و این امر از دیگر دلایل افزایش تعداد خانوارهای یک نفره است. در این بین، گزارش برخی رسانه‌ها ازجمله روزنامه دنیای اقتصاد با تحقیق میدانی از واسطه‌های ملکی فعال در مناطق میانی و متوسط شهر، نشان می‌دهد از هر ۱۰ نفر متقاضی اجاره مسکن که به برخی از واسطه‌های فعال در این بازار رجوع می‌کنند، دو تا سه مورد مجرد، یا به بیان دقیق‌تر، خانوارهای تک نفره‌اند.

نزدیک به ۴۵ درصد ازدواج‌ها شکست می‌خورند

طبق گزارشی که تیرماه امسال ثبت احوال ارائه کرده، طی سه ماهه نخست ۱۴۰۲ در ۱۲ استان، به ازای هر دو ازدواج، دستکم یک مورد طلاق به ثبت رسیده است. در سال‌های اخیر جامعه شناسان درباره افزایش نرخ طلاق در کشور هشدار داده و مدعی شده‌اند که نزدیک به ۴۵ درصد ازدواج‌ها در کشور شکست می‌خورند.

احمد مرتضوی مقدم، رئیس وقت دیوان عالی کشور، نیز از ارجاع ۱۷ هزار پرونده اختلافات خانوادگی به دیوان عالی کشور در ۱۴۰۱ خبر داد. اما تمایل به زیست تک‌نفره فقط مربوط به افراد مجرد، یا زوج‌هایی نیست که از هم جدا می‌شوند. براساس پژوهش‌ها، درمجموع، تمایل به تشکیل خانواده در میان جوانان زیر ۳۰ سال کاهش یافته است.

مهاجرت از شهرهای کوچک به قصد اشتغال یا تحصیل و تداوم اقامت در این شهرها، صرفا یکی ازعوامل افزایش زیست تک نفره در جوانان است. ناتوانی از تأمین حداقل‌های لازم برای تشکیل خانواده یا فرزندآوری و بی‌ثباتی شرایط اقتصادی، عوامل دیگر از مجموعه دلایل مایل نبودن جوانان به تشکیل خانواده است که به افزایش نرخ زیست مجردی در کشور انجامیده، اما این زنگ خطر هنوز جدی گرفته نشده است.

جامعه شناسی که تمایل به ذکر نام خود ندارد، در گفت‌وگو با «رسالت» عنوان می‌کند: «تمرکز مسئولان بر راهکارهای افزایش جمعیت سبب شده، پدیده تجرد مورد واکاوی دقیق قرار نگیرد و فقط بُعد ازدواج و فرزندآوری آن‌ها در طرح و برنامه‌ها مورد توجه باشد. در یک چنین رویکردی، مسائل اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار نمی‌گیرد، درحالی که به دلیل مشکلات معیشتی، آمار طلاق به‌نسبت گذشته افزایش یافته و این موضوع سبب شده تعداد زنان و مردان مجردی که تمایل به ازدواج مجدد ندارند بیشتر شود.»

به‌ازای هر دو ازدواج، دستکم یک مورد طلاق به ثبت رسیده است. در سال‌های اخیر جامعه شناسان درباره افزایش نرخ طلاق در کشور هشدار داده و مدعی شده‌اند که نزدیک به ۴۵ درصد ازدواج‌ها در کشور شکست می‌خورند.

احمد مرتضوی مقدم، رئیس وقت دیوان عالی کشور، نیز از ارجاع ۱۷ هزار پرونده اختلافات خانوادگی به دیوان عالی کشور در ۱۴۰۱ خبر داد. اما تمایل به زیست تک‌نفره فقط مربوط به افراد مجرد، یا زوج‌هایی نیست که از هم جدا می‌شوند. براساس پژوهش‌ها، درمجموع، تمایل به تشکیل خانواده در میان جوانان زیر ۳۰ سال کاهش یافته است.

مهاجرت از شهرهای کوچک به قصد اشتغال یا تحصیل و تداوم اقامت در این شهرها، صرفا یکی ازعوامل افزایش زیست تک نفره در جوانان است. ناتوانی از تأمین حداقل‌های لازم برای تشکیل خانواده یا فرزندآوری و بی‌ثباتی شرایط اقتصادی، عوامل دیگر از مجموعه دلایل مایل نبودن جوانان به تشکیل خانواده است که به افزایش نرخ زیست مجردی در کشور انجامیده، اما این زنگ خطر هنوز جدی گرفته نشده است.

جامعه شناسی که تمایل به ذکر نام خود ندارد، در گفت‌وگو با «رسالت» عنوان می‌کند: «تمرکز مسئولان بر راهکارهای افزایش جمعیت سبب شده، پدیده تجرد مورد واکاوی دقیق قرار نگیرد و فقط بُعد ازدواج و فرزندآوری آن‌ها در طرح و برنامه‌ها مورد توجه باشد. در یک چنین رویکردی، مسائل اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار نمی‌گیرد، درحالی که به دلیل مشکلات معیشتی، آمار طلاق به‌نسبت گذشته افزایش یافته و این موضوع سبب شده تعداد زنان و مردان مجردی که تمایل به ازدواج مجدد ندارند بیشتر شود.»

هشداری برای ازهم گسیختگی نهاد خانواده

امان‌الله قرایی مقدم هم جامعه‌شناس دیگری است که نسبت به گسست نهاد خانواده ابراز نگرانی کرده و می‌گوید: «با توجه به روندی که از گذشته آغازشده بود، پیش‌بینی می‌شد، نرخ ازدواج با کاهش روبه‌رو شود و چندین عامل در کاهش نرخ ازدواج دخیل است؛ از گذشته به‌صورت سنتی، تحصیل جوانان در دانشگاه و همچنین سربازی رفتن پسران، حداقل ۶ سال ازدواج را در حالت طبیعی به تعویق می‌انداخت، از سوی دیگر زمانی که یک جوان از دانشگاه و یا سربازی فارغ می‌شود، می‌خواهد شغلی بیابد تا براساس درآمدش نسبت به ازدواج اقدام کند، این‌ها شرایطی است که در حالت عادی و ثبات اقتصادی می‌توان برای عدم ازدواج متصور بود، حال در شرایط حاضر باید دلایل دیگری را برای عدم ازدواج به موارد فوق اضافه کرد. بدین معنی که امروزه ارتباطات افراد به نسبت گذشته تغییر محسوسی کرده و تغییر در باورها و نگرش‌های والدین و فرزندان باعث تفاوت دیدگاه دو طرف شده است و برهمین اساس، فرزندان مانند گذشته حاضر نیستند از هنجارها و قوانین خانواده پیروی کنند. همین موضوع هم سبب شده است شیوه زندگی تک نفره جایگزین ارزش‌های جمع‌گرایانه شود. از دهه ۸۰ تاکنون هشدارهای لازم برای ازهم گسیختگی نهاد خانواده داده شد، اما گوش شنوایی وجود نداشت. در حال حاضر باید دلایل عدم ازدواج را به دو قسمت عمده تقسیم کرد. بخش اول مربوط به اوضاع بداقتصادی است؛ از عدم تأمین معیشت خانواده و افزایش نرخ بیکاری تا گرانی و افزایش تورم که باعث شده سن ازدواج افزایش یابد، در حال حاضر بالغ بر ۸ درصد از جمعیت فعال کشور، بیکارند و براساس آمارهای رسمی مراجعی مانند بانک مرکزی و مرکز آمار، خط فقر در کشور ۱۷ تا ۱۸ میلیون تومان است، بدیهی است که برخی معتقدند خط فقر واقعی بیش از این ارقام است، اما اگر ما بنا را بر همین ارقام رسمی بگذاریم، اغلب جوانانی که در سن ازدواج قرار دارند، زیرخط فقر هستند، بنابراین اوضاع اقتصادی و وخامت آن را در نظر گرفته و ترجیح می‌دهند، خود را درگیر چنین وضعیت وحشتناکی نکنند.»

سن ازدواج بین پسران ۲۸/۵ تا ۳۰ سال و در بین دختران ۲۵ تا ۲۶/۵ سال است که نسبت به گذشته بسیار افزایش یافته است. آن طور که قرایی مقدم روایت می‌کند، «بخش دوم دلایل کاهش نرخ ازدواج به تغییر نگرش و فکر جوانان نسبت به تشکیل خانواده ارتباط دارد که این مسئله از مشاهده تجربه زندگی مشترک و انقطاع عاطفی در میان اطرافیان ناشی می‌شود. زمانی که درباره انقطاع روابط در یک خانواده سخن می‌گوییم ممکن است تنها منظور غذا نخوردن خانواده کنار هم باشد و یا ممکن است نبود ارتباطات کلامی بین اعضاء مدنظر باشد؛ به این صورت که هریک از افراد خانواده کار خود را انجام می‌دهد و فقط زیر یک سقف زندگی می‌کنند. اما بدترین حالت این است که نه تنها بخشی از این روابط وجود ندارد، بلکه ارتباط بیولوژیکی و حتی زناشویی میان همسران نیز از بین رفته است و در این خانواده‌ها اساسا هیچ چنین احساسی شکل نمی‌گیرد. در خانه‌ای که فقط خوابگاه اعضای خانواده محسوب می‌شود و اعضا هیچ‌گونه روابط عاطفی و حتی وابستگی مالی هم به یکدیگر ندارند، اوضاع بسیار حاد تراست. بنابراین جوانان درآستانه ازدواج، بامشاهده این موارد، در تصمیم‌گیری برای ازدواج دست و دلشان می‌لرزد. از طرفی با توجه به وجود شبکه‌های اجتماعی ارتباط انسان‌ها با یکدیگر نیز بسیار متنوع و متفاوت شده، در چنین شرایطی هم زمان با کاهش ازدواج، نرخ طلاق نیز بالا می‌رود، تمامی دلایلی که برای کاهش ازدواج وجود دارد، در مورد افزایش طلاق نیز صدق می‌کند. بدین معنا که بدترشدن اوضاع اقتصادی به کاهش سطح رفاه خانواده‌ها و افزایش طلاق منجر شده، به بیان دیگر آنچه نرخ جدایی را در حال حاضر افزایش داده، وضعیت بد معیشت است که درگیری خانواده‌ها را افزایش داده. در کنار عامل اقتصادی، تغییر نگرش و تفکرو همچنین تنوع طلبی هم مزید بر علت شده و همه این‌ها زمینه‌ساز شکل‌گیری خانواده‌های تک نفره است.»

این جامعه‌شناس تأکید می‌کند: «مادامی که با کاهش ازدواج و افزایش طلاق مواجه باشیم، نرخ زادآوری نیز بسیار تقلیل می‌یابد، در این رابطه نباید چشم‌انداز امیدبخش اقتصادی بسیار نگران‌کننده است چراکه به تغییر ارزش‌ها منجر خواهد شد، به باور جامعه شناسان باید ریشه‌های این موضوع را در یک مجموعه مورد بررسی قرار داد. این نکته را هم باید متذکر شد که در مقایسه با دهه‌های قبل کاهش تمایل به ازدواج و افزایش طلاق از عوامل مؤثر بر کاهش جمعیت هر خانوار است. در حالی که در سال ۱۳۵۸ تعداد ثبت طلاق ۲۱ هزار مورد در ایران بوده، این آمار در سال ۱۴۰۰ به ۲۰۴ هزار مورد رسیده است.

هم راستا با افزایش آمار طلاق، تغییر سبک زندگی در جامعه باعث شده است که برخلاف گذشته، زوج‌های مطلقه به سکونت در خانه پدری تمایلی نداشته باشند و در صورت استطاعت مالی با تهیه مسکن مجزا، زیستی تنها را برمی‌گزینند، و این امر از دیگر دلایل افزایش تعداد خانوارهای یک نفره است. در این بین، گزارش برخی رسانه‌ها ازجمله روزنامه دنیای اقتصاد با تحقیق میدانی از واسطه‌های ملکی فعال در مناطق میانی و متوسط شهر، نشان می‌دهد از هر ۱۰ نفر متقاضی اجاره مسکن که به برخی از واسطه‌های فعال در این بازار رجوع می‌کنند، دو تا سه مورد مجرد، یا به بیان دقیق‌تر، خانوارهای تک نفره‌اند.

نزدیک به ۴۵ درصد ازدواج‌ها شکست می‌خورند

طبق گزارشی که تیرماه امسال ثبت احوال ارائه کرده، طی سه ماهه نخست ۱۴۰۲ در ۱۲ استان، به ازای هر دو ازدواج، دستکم یک مورد طلاق به ثبت رسیده است. در سال‌های اخیر جامعه شناسان درباره افزایش نرخ طلاق در کشور هشدار داده و مدعی شده‌اند که نزدیک به ۴۵ درصد ازدواج‌ها در کشور شکست می‌خورند.

احمد مرتضوی مقدم، رئیس وقت دیوان عالی کشور، نیز از ارجاع ۱۷ هزار پرونده اختلافات خانوادگی به دیوان عالی کشور در ۱۴۰۱ خبر داد. اما تمایل به زیست تک‌نفره فقط مربوط به افراد مجرد، یا زوج‌هایی نیست که از هم جدا می‌شوند. براساس پژوهش‌ها، درمجموع، تمایل به تشکیل خانواده در میان جوانان زیر ۳۰ سال کاهش یافته است.

مهاجرت از شهرهای کوچک به قصد اشتغال یا تحصیل و تداوم اقامت در این شهرها، صرفا یکی ازعوامل افزایش زیست تک نفره در جوانان است. ناتوانی از تأمین حداقل‌های لازم برای تشکیل خانواده یا فرزندآوری و بی‌ثباتی شرایط اقتصادی، عوامل دیگر از مجموعه دلایل مایل نبودن جوانان به تشکیل خانواده است که به افزایش نرخ زیست مجردی در کشور انجامیده، اما این زنگ خطر هنوز جدی گرفته نشده است.

جامعه شناسی که تمایل به ذکر نام خود ندارد، در گفت‌وگو با «رسالت» عنوان می‌کند: «تمرکز مسئولان بر راهکارهای افزایش جمعیت سبب شده، پدیده تجرد مورد واکاوی دقیق قرار نگیرد و فقط بُعد ازدواج و فرزندآوری آن‌ها در طرح و برنامه‌ها مورد توجه باشد. در یک چنین رویکردی، مسائل اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار نمی‌گیرد، درحالی که به دلیل مشکلات معیشتی، آمار طلاق به‌نسبت گذشته افزایش یافته و این موضوع سبب شده تعداد زنان و مردان مجردی که تمایل به ازدواج مجدد ندارند بیشتر شود.»

به‌